

فارسی یازدهم

منوطه دوم

(نکات و خلاصه درس)



(تمامی حقوق متعلق به مجتمع آموزشی و پژوهشی ثمین می باشد.)

ستایش

معنی کلمات

نژند : خوار و زبون ، اندوهگین	حلاوت سنج : شیرینی بخش
می بایست : لازم و ضروری بود	احسان : نیکی کردن ، بخشش
وضع : وضعیت ، حالت	به ترتیبی : به شیوه ای
قرین : همراه	حلاوت : شیرینی
اقبال : خوشبختی ، سعادت	ادبار : بدبختی ، سیه روزی ، متضاد اقبال
ابد : زمان بی انتها ، مقابل ازل	تیره رای : بد اندیشی ، گمراهی
لطف : مهربانی ، عنایت	فرماندن : متحیر شدن

معنی شعر و نثر

قالب شعر ستایش : مثنوی

به نام چاشنی بخش زبان ها / حلاوت سنج معنی در بیان ها.

معنی : با نام خداوندی که نامش بر زبان ها جاری است و به کلام انسان، شیرینی می بخشد، سخنم را آغاز می کنم.

دانش ادبی : زبان: مجاز از سخن / چاشنی بخش زبان و حلاوت سنج معنی: حس آمیزی / زبان و بیان و معنی - چاشنی و حلاوت: مراعات نظیر / چاشنی بخش و حلاوت سنج: کنایه از دلپذیر کننده و خوشایند کننده / تلمیح به آیه «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» / حلاوت سنج معنی: اضافه استعاری (استعاره).

دانش زبانی : بیت دارای یک جمله است . / « فعل آغاز می کنم » حذف شده به قرینه معنوی . / حلاوت سنج : ترکیب اضافی

مفهوم : عنایت و لطف خدا به انسان در گویایی و شیرینی سخن / آغاز سخن با نام خدا



بلند آن سر که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش

معنی: خداوند هر که را بخواهد، بلندمرتبه و هر که را بخواهد، افسرده و غمگین می‌سازد.

دانش ادبی: بلند و نژند: آرایه تکرار / سر و دل: مجاز از شخص / واج آرایه «ن» / سر و دل: مراعات نظیر / بلند و نژند: تضاد / تلمیح به آیه «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» / بلندی سر: کنایه از عزت و افتخار

دانش زبانی: «-ش» در هر دو مصراع: نقش مفعول دارد / بیت: چهار جمله به شیوه بالغی دارد / فعل «است» در مصراع اول و دوم به قرینه معنایی حذف شده است / بلند و نژند: نقش مسند / سر و دل و او: نقش نهاد.

مفهوم: غم و شادی واقعی، به دست خداست.

در نابسته احسان گشاده‌ست / به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست

معنی: در احسان و بخشش خداوند بر روی همه باز است و به هر کس آن مقدار که شایسته و لازم است، عطا کرده است.

دانش ادبی: در و گشودن: مراعات نظیر / در احسان: اضافه استعاری (استعاره) / واج آرایه «س» / تلمیح به آیه «إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» / گشاده بودن در احسان: کنایه از بخشش بی نهایت خداوند.

دانش زبانی: نابسته و گشاده: رابطه ترادف / بیت: سه جمله.

مفهوم: فراگیر بودن نیکی و روزی بخشی خداوند

به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی موی باشد بیش و نی کم

معنی: خداوند، جهان را به گون‌هایی آفریده که همه‌چیز در مکان و اندازه خود است؛ هیچ‌چیز کم یا زیاد خلق نشده است.

دانش ادبی: بیش و کم: تضاد / یک موی: کنایه از بسیار اندک / نی: آرایه تکرار / تلمیح به آیه «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» / عالم: مجاز از همه موجودات



دانش زبانی : بیت: سه جمله / نهاد جمله اول و فعل جمله سوم: حذف به قرینه لفظی.

مفهوم : وجود حکمت الهی و حسابگری در آفرینش جهان

اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادبارها اقبال گردد

معنی : اگر لطف و محبت خداوند همراه انسان گردد، همه بدبختی‌هایش به خوشبختی تبدیل می‌شود.

دانش ادبی : ادبار و اقبال: تضاد / لطف قرین حال گردد: تشخیص و استعاره.

مفهوم : لطف خدا سبب خوشبختی است .

و گر توفیق او یک سو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای

معنی : اگر لطف خداوند شامل حال بنده‌اش نشود، دیگر از دست عقل و اندیشه کاری بر نمی‌آید و

انسان ناتوان می‌شود.

دانش ادبی : پای نهادن توفیق: تشخیص و استعاره / پای و رای: جناس ناقص اختلافی / رای و تدبیر:

مراعات نظیر / نه: آرایه تکرار / پای به یک سو نهادن: کنایه از همراه نبودن و کناره گیری کردن

دانش زبانی : تدبیر و رای: رابطه مترادف / بیت: سه جمله / فعل «آید» در جمله پایانی به قرینه لفظی

حذف شده است.

مفهوم : عجز و ناتوانی عقل بدون عنایت خداوند و توفیق خدا / آن چه خواست خداست همان می‌شود.

خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره‌رایی

معنی : اگر خداوند عقل را هدایت نکند و روشنایی نبخشد، تا ابد در جهل و نادانی خواهد بود.

دانش ادبی : روشنایی و تیره: تضاد / خرد و رای: مراعات نظیر / روشنایی بخشیدن: کنایه از هدایت

کردن / روشنایی: استعاره از آگاهی / تیره‌رایی: کنایه از گمراهی / روشنایی عقل و تیره بودن رای:

حس آمیزی / خرد: مجاز از انسان / تلمیح به آیه «يَخْرُجُوهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»

مفهوم : عجز و تیرگی خرد انسان بدون بصیرت الهی .



کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه

معنی: زمانی عقل در راه شناخت و معرفت به کمال می‌رسد که به نادانی و ناآگاهی خود اعتراف کند.

دانش ادبی: تلمیح: به سخن مشهور « لا آدری: من هیچ نمی‌دانم » / راه: استعاره از معرفت و

خداشناسی / تناقض: کامل بودن عقل در آگاه نبودن آن است.

مفهوم: عجز و ناتوانی عقل از شناخت حقیقت

لغت و املاء

کلمات املائی مهم: حلاوت - نژند - احسان - نهاده - وضع - قرین - ادبار - اقبال - نهد - تدبیر -

توفیق - تیره رایی - لطف

تاریخ ادبیات

وحشی بافقی: فرهاد و شیرین





بانک محتوای آموزشی SET

آسان و سریع مطالب مهم را مرور کنید و برای آزمون آماده شوید.

همین الان کلیک کن



دوره‌های آموزشی

با دوره‌های آموزشی وارد مسیر یادگیری شوید و گام به گام خود را در کل درس راحت کنید.



نمونه‌سوال‌ات حل شده

با نمونه سوال‌ات حل شده درس به درس، مثال‌های مهم را ببینید و مفاهیم را آسان درک کنید.



خلاصه نکات

با خلاصه نکات درس به درس فقط به نکات مهم بپردازید و زمان را ذخیره کنید.



ویدئو آموزشی

با ویدئوهای کوتاه درس به درس، مطالب درس را آسان و سریع یاد بگیرید.



www.youtube.com/@saminskill

www.aparat.com/set_ir_official

www.instagram.com/set.ir.shop

t.me/set_ir_levelup

[@set_ir_levelup](https://www.facebook.com/set_ir_levelup)

[@levelupset](https://www.facebook.com/levelupset)

۰۲۱۴۴۰۷۰۷۳۰

۰۹۰۲۷۱۴۳۴۰۲



اسکن کنید